

تفاسیر منظوم قرآن در ادب فارسی

احمدرضا یلمه‌ها*

چکیده

قرآن کریم از زمان نزول تا کنون، تأثیر عظیمی بر ذهن و زبان شاعران و نویسندگان ادب فارسی گذاشته است. ادبا و شعرای زبان فارسی، در بسیاری از مضامین و مفاهیم، از قرآن و معارف قرآنی استشهاد جسته‌اند و با تلمیح، تضمین، اقتباس، حل و درج، سعی کرده‌اند آیات و پاره‌هایی از سوره‌های قرآن را در کلام خود بگنجانند. علاوه بر آن، برخی از سراینندگان به ترجمه و یا تفسیر آیه، سوره و یا پاره‌هایی از قرآن به نظم فارسی مبادرت کرده و بدین ترتیب سعی کرده‌اند تا فهم قرآن مجید را آسان کنند. این پژوهش بر آن است تا ضمن معرفی مختصری از تفسیرهای منظوم قرآنی در ادب فارسی و نیز تفاسیر منظوم سوره یوسف، به معرفی نسخه‌ای مجهول‌القدر از تفسیر سوره یوسف بپردازد. این تفسیر به شعر فارسی است و سراینده آن سید مرتضی دزفولی است که از خود با تخلص راجی یاد می‌کند. از جهت تعداد ابیات، طولانی‌ترین تفسیری است که به شرح و تفسیر تک تک آیات این سوره پرداخته و از تفاسیر ارزنده ادب فارسی است.

کلید واژه‌ها: قرآن، شعر فارسی، تفسیر، تفاسیر منظوم، سوره یوسف، نسخه خطی، تلمیح.

تفسیر در لغت به معنی آشکار ساختن و پرده از پوشیده برداشتن و کشف و اظهار است و در اصطلاح، علمی است که حقیقت معانی آیات قرآن را به اندازه طاقت بشری و به مقتضای قواعد لغوی، صرفی، نحوی و بلاغی عرب بیان می‌کند. تفسیر « در حقیقت مراد خدا را از قرآن آشکار می‌کند و در مورد مفردات، ترکیبات، معانی آنها، اسباب نزول، ترتیب نزول، توضیح اشارات، مجملات، تمییز ناسخات، منسوخات، محکمات و متشابهات از یکدیگر و تفصیل تعریضات، قصص و حکایات آن بحث می‌کند. » (انوشه، ۱۳۸۱: ۳۸۴/۲).

تفسیر ام‌العلوم قرآن پژوهشی است که از همان آغاز نزول قرآن، همواره مورد توجه عالمان و دانشمندان علوم دینی بوده و سعی داشته‌اند با این علم و بدین طریق، گره از دشواری‌های فهم قرآن بگشایند. ترجمه و تفسیر قرآن به زبان فارسی، از اواخر سده سوم و اوایل سده چهارم هجری آغاز شد و ترجمه و تفسیر آن، تا زمان سامانیان بنا به دلایلی مجاز شمرده نمی‌شده است. «نخستین دلیل، تسلط زبان غالب، یعنی زبان عربی بر مجامع علمی پارسی زبانان بوده است. دلیل دوم آنکه معمولاً هیچ متن ادبی را آنچنان که هست، به ویژه اگر از نظر لفظ، خصایصی نظیر سجع و ایهام داشته باشد، نمی‌توان به صورتی که همه ویژگی‌های لفظی و معنوی‌اش به زبان مقصد منتقل شود، ترجمه کرد و دلیل مهم‌تر درباره قرآن آنکه، برای آیات قرآن، معانی متعددی است و معلوم است که همه معانی متعدد یک لفظ یا جمله را که در اصطلاح ادبی به آن ایهام گویند، نمی‌توان در ترجمه به زبان مقصد برگردانید.» (همان: ۳۸۶).

علاوه بر دلایل مذکور، قداست آیات و سوره‌های قرآن و اینکه معتقد بودند ترجمه از قداست آن آیات می‌کاهد، دلیلی دیگر بود که تا زمان سامانیان، ترجمه و تفسیر به زبان فارسی صورت نگیرد. با ترجمه تفسیر طبری در قرن چهارم هجری، باب جدیدی در جهت شناسایی و گسترش کلام الهی در زبان فارسی گشوده شد. از این زمان به بعد، آثار ارزشمندی که متضمن مفاهیم و مضامین عالی قرآن بود و از جهت شیوایی و زیبایی کلمات ارزشی خاص داشت، به وجود آمد. این تفاسیر فارسی، همچون ذخایر و گنجینه‌هایی بود که هم از لحاظ نوع شرح و تبیین کلام الهی و هم از لحاظ گیرایی و شیوایی کلام، در آشنایی ایرانیان با علوم و معارف الهی، نقش عظیمی را ایفا می‌کرد. نکته قابل ذکر آن است که از همان آغاز، مفسرین سعی کردند تا در ترجمه و گزارش و ایضاح معانی بلند کلام الهی، عباراتی آهنگین و موزون به

کار برند. همین کوشش در خور تحسین، باعث شد تا بعدها تفاسیر منظوم عروضی از آیه، سوره و یا پاره‌هایی از قرآن صورت پذیرد. البته ترجمه و تفسیر منظوم قرآن نیز، از همان آغاز با مخالفت‌هایی روبه‌رو شد. «دلایل مخالفت با ترجمه منظوم قرآن نیز این است که نخست در نظم، لغزش اندیشه بیشتر است؛ دوم پایبندی به وزن و قافیه که ممکن است شاعر را از اصل مقصد قرآن دور کند. سوم، رساندن پیام قرآن به عوام به صورت نظم کمتر است. علاوه بر آن، مقوله نظم نیز شرعاً برای ترجمه قرآن پسندیده نیست.» (رادفر، ۱۳۸۹: ۱۰۰). گفتنی است از اواخر قرن نهم هجری، با روی کار آمدن صفویان در ایران و گورکانیان در هند، تفسیرنویسی شتاب و رواج فراوان تری گرفت و بیشتر تفاسیر منظوم فارسی از این زمان به بعد، سروده شد و اگر تفسیرهایی به شعر، قبل از قرن نهم و دهم هجری یافت می‌شود، تفسیرهایی است که صرف نظم نیست و تفاسیری است منثور و آمیخته به نظم، که آن هم بیشتر در تفسیر آیه و یا سوره‌ای از سوره‌های قرآن کریم است. از جمله این تفاسیر، تفسیر *الستین الجامع اللطایف البساتین* است که تفسیری است واعظانه و صوفیانه به فارسی بر سوره یوسف، که تاج‌الدین ابوبکر احمد بن محمد بن زید طوسی املا کرده و شاگردان او نوشته‌اند. این تفسیر سوره یوسف، به نثری است روان آمیخته به نظم از سده ششم هجری که از لحاظ ادبی و زبانشناختی ارزش خاصی دارد. (خرمشاهی، ۱۳۸۱: ۷۰۶/۲) و یا تفسیر عرفانی آیه «خَلَقَ سَبْعُ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ» به نثر آمیخته با نظم، از شاه داعی شیرازی (۸۷۰ هجری قمری) و نیز تفسیر منظوم سید محمد نوربخش قاینی (۷۹۵ - ۸۶۹ ق). (انوشه، همان: ۳۸۹).

دیگر تفاسیر منظوم در ادب فارسی

۱. تفسیر مواهب علیّه

تفسیر *مواهب علیّه* از دیگر تفاسیر منثور آمیخته با نظم است که در همین دوران (قرن نهم هجری) به زبان فارسی تألیف شده است. این تفسیر که به نام تفسیر حسینی نیز معروف است، از کمال‌الدین حسین بن علی واعظ کاشفی سبزواری (۹۱۰ - ۸۴۰ ق) است و از کامل‌ترین تفاسیر قرآن کریم است که در چهار جلد به زبان فارسی در میان سال‌های ۸۹۹-۸۹۷ نوشته شده است. از آنجا که کاشفی از برجسته‌ترین نثر نویسندگان نیمه دوم قرن نهم هجری است و نثر او نثری دلنشین، آمیخته با اقوال صوفیان است، تفسیر او نیز در بین دیگر تفاسیر، جایگاه ویژه‌ای دارد. از جمله ویژگی‌های این تفسیر، آمیختگی نثر با اشعاری فراوان از شاعران

فارسی است؛ چنانکه در هیچ تفسیری از تفاسیر منثور فارسی، همانند این تفسیر، از سروده‌های دیگر شاعران بزرگ فارسی بهره گرفته نشده است؛ مفسر در آغاز تفسیر نام سوره و تعداد آیات را ذکر کرده و سپس با آوردن ترجمه آیات و شرح مختصری از مفهوم آیه، به بحث‌های اخلاقی، عقیدتی و تاریخی با روشی عرفانی و ادبی اشاره می‌کند. (خرمشاهی، ۱۳۸۱: ۷۶۹).

۲. تفسیر آیه فاخلع نعلیک

این اثر به نظم فارسی است در شرح و تفسیر آیه:

«فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِي الْمُقَدَّسِ طُوى» (طه: ۱۲)

که /ابراهیم بن محمد گلشنی بردعی (۹۴۰ق) عارف و شاعر قرن دهم هجری سروده است.

۳. روضه القلوب

این تفسیر، تفسیری است منظوم از سی و ششمین سوره قرآن کریم (سوره یاسین) که /ابن همام شیرازی در قرن دهم هجری (۹۴۹) در ۲۰۶ بیت به نظم کشیده است.

۴. کتاب فتحنامه

این اثر نیز تفسیری است منظوم از سوره فتح قرآن کریم که توسط ابن همام شیرازی در ۱۳۵۰ بیت سروده شده است. (انوشه، ۱۳۸۱: ۳۹۰/۲).

۵. تفسیر وَ الضُّحَى وَ أَلَمْ نَشْرَحْ

این تفسیر که به نام الف انسانیت نیز نامیده می‌شود، از خواجه محمد بن محمود دهلر شیرازی (۱۰۱۶ ق) است که به نثر آمیخته با نظم تألیف شده و درباره سوره‌های الضحی و الانشراح قرآن است که بنا به گفته نویسنده آن، در حق پیامبر (ص) نازل شده و در آن مراتب انسانیت و مقامات وی گزارش شده است. (همان: ۳۹۱).

۶. تفسیر پاره عم

این تفسیر سروده پیر محمد نامی است که در سال ۱۰۶۸ هجری به نظم در آمده است. (همان).

۷. تفسیر سوره واقعه

این تفسیر از مؤلفی ناشناس است که تفسیری است صوفیانه، به نثر روان و آمیخته با اشعار فراوان که نسخه‌ای از آن در کتابخانه گنج بخش با شماره ۵۱۷۰ و با تاریخ کتابت ۱۰۴۳ قمری نگهداری می‌شود. (انوشه، ۱۳۸۱: ۲/۳۹۰).

۸. تفسیر منظوم بسمله و سوره حمد و بقره از نور علیشاه

این تفسیر را میرزا محمد علی ملقب به نور علیشاه طبسی اصفهانی (۱۲۱۲هـ) از عرفا و از مشایخ سلسله نعمت الهی قرن سیزدهم هجری، سروده است. آثار دیگری از این مفسر همچون *جنات الوصال* در طریقه سلوک، رساله جامع الاسرار در تقلید از گلستان، رساله روضه الشهداء در احوال حضرت سید الشهداء به نظم، و دو دیوان شعر و غیره از او باقی مانده است. «در این تفسیر، مفسر عارف، به زبان نظم، ابتدا اشارات و لطایف عرفانی‌ای را که به ترتیب از حروف بسمله استنباط می‌شود، شرح می‌دهد. سپس الحمدالله تا آخر ولا الضالین را ترجمه و تفسیر و به اقتضای مقام، مناجاتی را ذکر می‌کند و به بیان اعتراف به عجز از ادراک کنه معرفت حق می‌پردازد. قسمت آخر این رساله که ناتمام نشان داده شده، ترجمه و تفسیر اجمالی سوره بقره تا آیه هفتاد و نه است که با شرحی از رمز الم آغاز می‌شود. اشعار متن، ساده و روان و دارای نکات عرفانی است. سوره حمد به وزنی متفاوت از وزن سوره بقره منظوم شده است و به لحاظ وزن، دنبال یکدیگر نیست.» (خرم‌شاهی، ۱۳۸۱: ۷۶۵).

۹. تفسیر بحر الاسرار

این تفسیر که به نام سبع المثانی نیز نامیده می‌شود، توسط شاگرد برجسته نور علیشاه اصفهانی، به نام میرزا محمد تقی بن محمد کرمانی (۱۲۱۵ق) مشهور به مظفر علیشاه سروده شده و مثنوی است عرفانی در تفسیر سوره‌های فاتحه، فلق و الناس که در پنج هزار بیت سروده شده است.

۱۰. تفسیر صفی

این تفسیر یکی از کامل‌ترین تفاسیر منظوم فارسی است که آن را حاج میرزا حسن بن محمد باقر اصفهانی ملقب به صفی علیشاه (۱۳۱۶-۱۲۵۱) از مشایخ صوفیه قرن سیزدهم هجری، سروده است. مفسر علاوه بر این اثر، دارای تألیفاتی چون *اسرار المعارف در تصوف*، *بحر الحقایق*، منظومه‌ای به اقتضای گلشن راز شبستری، *زبد الاسرار* بر وزن مثنوی مولانا در بیان واقعه عاشورا، *عرفان الحق* در عرفان، *رساله میزان*

المعرفه در سلوک، نجم العرفان در رد فرقه ضاله بهائیت، دیوان شعر شامل قصاید، غزلیات، ترجیعات، مسمطات و رباعیات عرفانی، نامه‌ها و مراسلات است. تفسیر صفی، در دو سال، (از سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۸) و در ۱۸۵۰۰ بیت بر وزن مثنوی سروده شده است. (صفی علی شاه، مقدمه ناجی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۱۳۱۳).

تفسیر منظوم سوره یوسف در ادب فارسی

در بین تفاسیر مختلفی که درباره سوره‌های قرآن مجید سروده شده است، تفسیر سوره یوسف جایگاه ویژه‌ای دارد. از آنجا که همگان به این داستان به عنوان احسن القصص قرآن مجید، از همان آغاز نزول، توجه خاص داشتند، تفاسیر گوناگون مثنوی و منظومی به فارسی و عربی، بر آن نوشته شده است. سید جعفر سجادی در مقدمه تفسیر حقائق الحقایق، ۲۳ مورد از تفاسیر سوره یوسف را که نویسندگان و مفسران اسلامی نوشته اند، نام می‌برد. منوچهر دانش‌پژوه نیز، در ذیل تفاسیر سوره یوسف، ده مورد از تفاسیری که در مورد این سوره صورت گرفته، برمی‌شمارد. (دانش‌پژوه، ۱۳۶۹: ۶۵۲). بعد مذهبی این داستان، به همراه شیوایی و شور عاطفی که در آن موج می‌زند، باعث ایجاد چنین تفاسیر رنگارنگی شده است که در ذیل، به معرفی برخی از تفاسیر منظوم (و یا مثنوی آمیخته با نظم) این سوره پرداخته می‌شود.

۱. تفسیر الستین

همچنان که در بخش پیشین نیز اشاره شد، نام کامل این اثر الستین الجامع اللطایف اللبساتین است که تفسیری است واعظانه و صوفیانه به فارسی، درباره سوره یوسف از تاج‌الدین ابوبکر احمد بن محمد بن نگارهای زید طوسی در قرن ششم هجری است. سال نگارش اثر، دانسته نیست ولی به قرائن زبانی و محتوایی، آن را از نگارش‌های سده ششم دانسته‌اند. در آغاز هر مجلس، نخست آیتی از سوره یوسف می‌آید، سپس از قول احمد بن محمد بن زید طوسی، شأن نزول و تشابهات آن بیان می‌شود و به شرح و تفسیر آیه پرداخته می‌شود و داستان بیان می‌شود. (خرمشاهی، ۱۳۸۱: ۷۰۶/۱).

گفته شده این تفسیر آمیخته به نظم، از منابع اصلی تفسیر سوره یوسف ملا حسین کاشفی است و تفسیر کاشفی، اقتباس گونه‌ای است از این تفسیر؛ این اثر را محمد روشن، در سال ۱۳۴۵ به چاپ رسانده است.

۲. جامع الستین

این تفسیر جدا از *الستین الجامع اللطایف اللبساتین* است. مؤلف این اثر، ملاحسین واعظ کاشفی، عارف قرن نهم هجری است که این اثر منثور آمیخته به نظم را، در تفسیر سوره یوسف، در شصت فصل تألیف کرده و به جهت استشهادات مؤلف به قصص و حکایات و اشعار فارسی مختلف، جنبه ادبی دارد. (انوشه، ۱۳۸۱: ۳۹۰/۲).

۳. تفسیر اسرار العشق

این تفسیر عرفانی به نظم فارسی، سروده ناصر علیشاه شیخ اسدالله ایزدگشسب شمس بن محمود گلپایگانی است. او از مشاهیر شعرا و حکما و عرفای قرن چهاردهم قمری است. سراینده، دارای آثار و تألیفات گوناگونی به نظم و نثر به زبان های فارسی و عربی است که بیشتر در مباحث عرفانی و حکمی و برخی نیز ادبی و تاریخی است. *اسرار العشق*، تفسیری است بر سوره یوسف همراه با مقدمه ای به نثر و به دنبال آن تفسیر آیات گفتگوی خضر و موسی (ع) بیان شده است. (خرمشاهی، ۱۳۸۱: ۶۶۵/۱).

۴. تفسیر سوره یوسف از مظفر حسین فتوحی

این تفسیر، از تفاسیر منثور آمیخته با نظم است که مظفر حسین فتوحی کوهبنانی کرمانی در اواخر قرن نهم هجری و اوایل سده دهم هجری تألیف کرده است. در این تفسیر بر خلاف تفاسیر دیگر، بیشتر جنبه قصه سرایی و شرح داستان رعایت شده و کمتر به تأویل و نقل وجوه اعراب یا معانی و اقوال اهل تفسیر، بر سبیل مفسران گذشته پرداخته است. این اثر را برای نخستین بار *داریوش کاظمی* در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسانده است.

۵. تفسیر سوره یوسف از صفی علیشاه

صفی علیشاه علاوه بر تفسیر کامل قرآن به شیوه عرفانی، دارای تفسیر دیگری بوده به نام تفسیر سوره یوسف که در سال ۱۳۲۰ هـ قمری در تهران چاپ سنگی شده است. (انوشه، ۱۳۸۱: ۳۹۳).

۶. تفسیر سوره یوسف از سید مرتضی دزفولی متخلص به راجی

علاوه بر تفاسیر منظومی که شرح آن گذشت، تفسیر ارزشمند دیگری بر سوره یوسف موجود است که چندان شناخته شده نیست و در اینجا به معرفی مختصری از آن پرداخته می شود.

این تفسیر، به شعر فارسی است و نام سراینده آن سید مرتضی دزفولی است که در جای جای تفسیر از خود با تخلص راجی یاد می‌کند. نسخه عکسی این تفسیر منظوم، در مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است که محمد صادق بن عبدالصمد موسوی عارفی در تاریخ ۲۰ ربیع‌الاول ۱۳۴۹ هجری قمری آن را نوشته است. این نسخه نفیس در ۲۶۱ صفحه و به خط نسخ مکتوب شده است. مفسر در این تفسیر پس از ذکر آیه و معنای آن، تفسیر را به صورت شعر ادامه می‌دهد. این منظومه دارای حدود ۳۰۰۰ بیت است که بر وزن مثنوی مولانا (بحر رمل) سروده شده است.

آغاز نسخه:

ابتدای هر کلام از هر بشر	نیست غیر از حمد حق چیز دگر
گرچه بر حمدش زبانها الکن است	لیک قدر قوه خود ممکن است

مفسر در آغاز این تفسیر می‌گوید:

نطق و توفیقی ز حق خواهم مدام	تا کنم تفسیر یوسف را تمام
ای کرم کارساز دلنواز	از کرم این عبد عاصی را نواز
شرح صدی لطف کن از فیض عام	تا شود مبسوط تفسیر کلام

آغاز تفسیر:

از الف و ز لام و را گوید سخن	بی‌زبان یعنی خدای ذوالمنن
از الف اول بود یعنی که اوست	اول هر اولیست ذات هوست

در بیان سبب نظم کتاب و تفسیر مستطاب گوید:

هست یک محبوب ز اخوان الصفا	کو بود از دوستان با وفا
نام نیکش در جهان عبدالنبی	کرد استدعا از این عاصی شبی
تا دهم تفسیر یوسف را به نظم	داشت در این مطلب او اصرار جزم
بود این عاصی چو غرق ابتلا	در گرفتاری به صد رنج و بلا
نی حواسی تا که بنمایم شروع	نی توانستم ز حرف او رجوع
زانکه بودی آن بزرگ خوش لقا	در حقیقت خالصاً از اصداقا

با توکل رو نمودم بر خدا
خواستم امداد از رب العلی
تا کنم تفسیر مر این سوره را
ابتدا کردم به امید خدا

نکته‌هایی از زندگانی و احوال مفسر

مفسر در جای جای تفسیر، از خود با تخلص راجی یاد می‌کند. از آن جمله:

راجیا بر گرد در تفسیر خویش
آتش کلکت زد از اندازه بیش

و یا این بیت:

لب فرو کن راجیا از این سخن
باز گو از ساکن بیت‌الحزن

و نیز:

راجیم بر درگه پاک مجید
عفو سازد از خطاهایی که دید

مفسر در بیان حال خود می‌گوید:

درد دل را با که گوید آن فقیر
کو بود در چنگ این مردم اسیر
من که هستم یک نفر ز اهل بلد
نیستم سالم ز دست این گروه
بی جهت آزارشان هر دم به من
می‌رسد گاهی ز دست و گه دهن

و در ادامه به اینکه هر چه بر سر او رسیده، از دست همسایگان بی‌وفای اوست، اینچنین اشاره می‌کند:

از سفارش‌های او ک مردم خیال
که برد میراث همسایه ز مال
هرچه وارد می‌شود بر من جفا
هست از همسایگان بی‌وفا
جرم من نبود به ایشان غیر از این
نیستم هم شورشان در کید و کین
حال من در این محل باشد همان
ز آل اسرائیل در فرعونیان

مفسر اشاره می‌کند که به علت ممانعت‌هایی که قومی شریر از او می‌کردند، مجبور شد تا برای مدتی به سفر

روی آورد و برای همین ادامه تفسیر سوره یوسف، با چهار ماه تأخیر روبه رو شد:

تا شدم ناچار از قوم شرر
تفره بنهاده رواندر سفر
زین سبب تأخیر شد تا چار ماه
ز ابتدا تا انتها بی اشتباه

در غالب مناجات هایی که با حضرت حق داشته، به محنت ها و مصیبت های خود اشاره می کند و از او استمداد می جوید:

داده ای یوسف ز محنتها نجات
همچنین بدهی نجات ممکنات
من هم از جرم و گنه شرمندهم
که خطاکارم ولیکن بنده ام
بندهات را کن ز محنتها خلاص
چون ندارم جز به درگاهت مناص

و یا در این ابیات به شرارت های زمانه خود اشاره دارد:

همچنانکه از کرم ای مستعان
حفظ کردی یوسف از کید زنان
بر تو دارم از تضرع التجا
ز شرور خلق و نفس و بد هوا
حفظ کن از لطف ای خلاق جان
از شرارتهای این دور زمان
هرچه دوری کردم از کردارشان
نیستم آسوده از آزارشان

در ابیات بعدی نیز به اینکه مسلمانان حقوق یکدیگر را رعایت نمی کنند و به همدیگر آزار می رسانند، چنین اشارت دارد:

کرده ای واجب به مخلوق تمام
که مسلمان را نمایند احترام
مسلم آن باشد که از دست و زبان
در سلامت باشد از وی مسلمان
نی که هر دم با زبان آزارش
وز اهانت خوار عالم سازش
پس حقوق مسلمین ضایع کنند
عقل را بر نفس خود تابع کنند

در پایان نسخه، در مناجات به درگاه قاضی الحاجات گوید:

چون تو هستی عالم سر و عیان
قادری بر کشف غمهای نهان
اینقدر میسند این زار و فقیر
با بلا و محنت و توهین اسیر...
جیش غم از هر طرف دارد هجوم
غرق هستم در هموم و در غموم
مبتلا با ناکسان در این جهان
ای خدا هرگز مکن با بندگان...

می‌سپارم بر تو اشخاص ظلوم که به من آورده از هر سو هجوم
گر شود لطف تو شامل از کرم سهل باشد این همه رنج و الم
به دنبال آن از اغتشاش اشعار خود اعتذار خواسته و دلیل آن را گرفتاری در بلا و ابتلا می‌داند:
بس که هستم مبتلای روزگار قوه نطقم هم افتاده ز کار

اهمیت و ارزش این تفسیر

وجوه ارزش و اعتبار تفسیر منظوم سوره یوسف (سروده راجی) را می‌توان اینچنین برشمرد:

۱. این تفسیر منظوم از جهت تعداد ابیات، طولانی‌ترین تفسیری است که به شرح و تفسیر تک تک آیات این سوره مبارکه پرداخته است و مفاهیم و مضامین مندرج در این آیات را از جنبه‌های گوناگون تحلیل و بررسی کرده است. بیشتر تفاسیر منظومی که از این سوره مبارکه انجام پذیرفته، مختصر و تعداد ابیات آن محدود است. حتی در تفسیر منظوم صفی‌علیشاه، به عنوان جامع‌ترین ترجمه و تفسیر منظوم قرآن کریم نیز، سوره یوسف در ۱۴۵۰ بیت تفسیر و تحلیل شده است. در حالی که تفسیر راجی، حدود ۳۰۰۰ بیت را در بردارد.

۲. راجی پیش از پرداختن به تفسیر آیات و کشف رموز و اسرار عرفانی کلام الهی، به ترجمه آیات این سوره می‌پردازد. این ترجمه از حیث سادگی و کاربرد لغات سلیس و روان، دارای ارزش خاصی است. مفسر سعی کرده، آیات کلام الهی را کلمه به کلمه، به زبان فصیح فارسی برگرداند و تا حد مقدور از کاربرد واژگان عربی در این بخش از تفسیر، دوری جوید. قیاس ترجمه این مفسر با دیگر ترجمه‌های قرآن مجید، این موضوع را به خوبی آشکار می‌کند.

۳. مفسر در ترجمه و تفسیر برخی از آیات، تحت تأثیر مضامین آیات، به آسمان عشق و عرفان پرواز کرده و اشتیاق و سوز درونی خود را با زیباترین تعابیر و ترکیبات به وصف می‌کشد. چنین جذبه‌هایی در تفسیر صفی‌علیشاه نیز دیده می‌شود. بهروز ثروتیان در توضیح و تحلیل این بخش از تفسیر صفی‌علیشاه می‌نویسد: «جذبه‌ها در تفسیر صفی‌علیشاه، مجموعه‌ای از منظومه‌های عاشقانه و عارفانه وی است که گاهی مفسر و مترجم قرآن کریم، تحت تأثیر برخی از آیات بینات، از عالم نظر و شعر قرآن نیز فراتر

می‌رود و در واقع به سوی آسمان عشق و معرفت پرواز کرده، از خود و عشق صمیمانه خود سخن می‌گوید که آن را جز غزل و تعزّل نمی‌توان نامی دیگر نهاد. برای آنکه حرف دل شاعر و سوز درون اوست؛ در عالمی فراتر از جهان هستی و زندگانی محسوس ما» (ثروتیان، ۱۳۸۹: ۱۶۷). راجی در بیان حال یعقوب در انتظار یوسف، اینچنین به توصیف عشق می‌پردازد:

عشق اندر هر دلی مأوی گزید	هیچ غیر از دوست در عالم ندید
عشق را کس شرح نتواند نمود	همچو ذات مطلق و سرّ وجود
عشق مطلق قابل توصیف نیست	لا به شرط است و ورا تعریف نیست
عشق را نی رسم پیدا شد نه اسم	نیست کس تا کشف سازد این طلسم

و در ادامه می‌گوید:

گر شبی بردی به سر در هجر یار	گر که بودی دل تو را در انتظار
تا سحر گر اشکریزان بوده‌ای	لحظه‌ای تا صبح گر نغزوده‌ای
یا به مویش کرده‌ای دل را اسیر	یا نشستی ز انتظارش در مصیر
یا نمودی خویش را شیدای یار	یا ز وی بر دل ز هجرانش شرار
یا ز هجرش خورده‌ای خون جگر	داری از احوال عشاقان خبر

۴. مفسّر در اثنای شرح و تفسیر آیات این سوره مبارکه، در مقام یک مربی و معلّم اخلاق، گاهگاه مضامینی اندرزگونه و تعلیمی یادآور می‌شود که در جای خود بی‌نظیر است. در بیان دوری از ناز و تکبر گوید:

نی ز خالق شرم، ناز مردم حیا	یاد کن از هیبت دار جزا
اینقدر بر دولت و عزّت مناز	کز همه مخلوق دارم امتیاز

درباره دوری از ظلم و ستم چنین گوید:

هر که بنشانند درخت ظلم و کین	میوه‌اش را خود خورد آخر یقین ...
بی‌جهت هر کس کند خصمی به خلق	آب ذلّت را فرو ریزش به خلق

و گاه دو آموزه اخلاقی را در یک بیت تعلیم می‌دهد:

جهت کن تاحق ز خود راضی کنی	چشم پوشی از غم ماضی کنی
----------------------------	-------------------------

و ابیاتی از این دست که در این تفسیر به وفور مشهود است.

۵. مفسّر در کنار تفسیر آیات قرآن، در پی تأویل آن آیات نیز بوده است و به تأویل های گوناگون برخی

از آیات می پردازد. چنانکه در تأویل یوسف و زلیخا می گوید:

چونکه از تفسیر گشتی هوشیار	حال بر تأویل یکدم گوش دار
عقل باشد یوسف حسن و وقار	از زلیخای طبیعت در فرار
عقل آن باشد که از شهوت گریخت	بلکه شهوت را ز خود یکباره ریخت
گر که شهوت با غضب شد پایدار	غرق گردد در بالای انتظار
از بهایم قدر او کمتر شود	بگذرد از خیر سوی شر شود ...

۶. از اسلوب کلام و بیان و نیز مضامین و مفاهیم مندرج در این تفسیر، چنین بر می آید که مفسّر، با تفسیرهای گوناگون پیش از خود آشنایی کامل داشته و به ویژه تفسیر کشف/الاسرار و عده/الابرار را بن مایه اصلی مضامین خود قرار داده است. در بسیاری از ابیات نیز، میدی وار، به روایت های گوناگون از آن آیه می پردازد و اختلاف ارباب سیر را تبیین می کند. از آن جمله:

هست از زین العباد اندر خبر	که زلیخا را بتی بد جلوه گر
بود آن بت چوب یا زر یا حجر	یا که بد از نقره یا چیز دگر ...

و یا در این بیت به اختلاف روایت اشاره می کند:

چار زن بودند اینها در سخن	از مقاتل شد روایت پنج زن
---------------------------	--------------------------

و یا به اختلاف درباره سن یوسف، در روایات گوناگون، چنین اشاره می کند:

اختلافی هست در سن عزیز	کو مراهق بود یا دادی تمیز
هفت سالش بود یا ده، یا که هشت	با برادرها روان شد سوی دشت

در بسیاری از ابیات، نام راویان را نیز یادآور می شود:

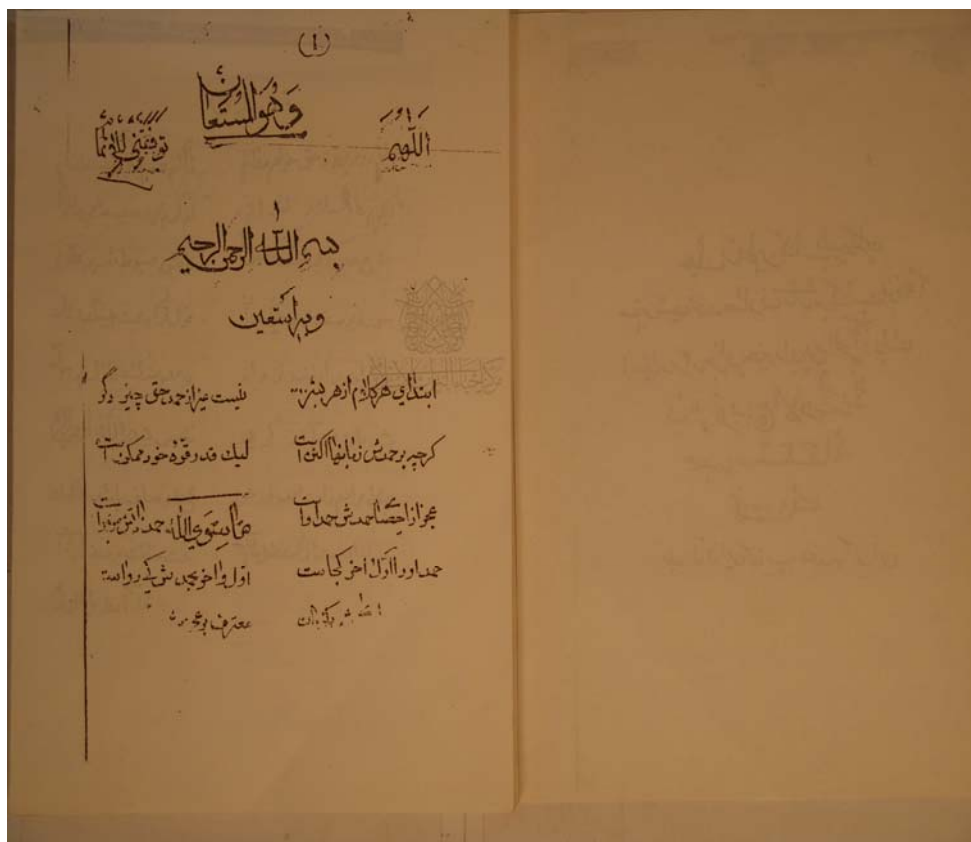
ابن عباس است، گوید این سخن	آفتاب و مه بود یعقوب زن
----------------------------	-------------------------

و یا این بیت:

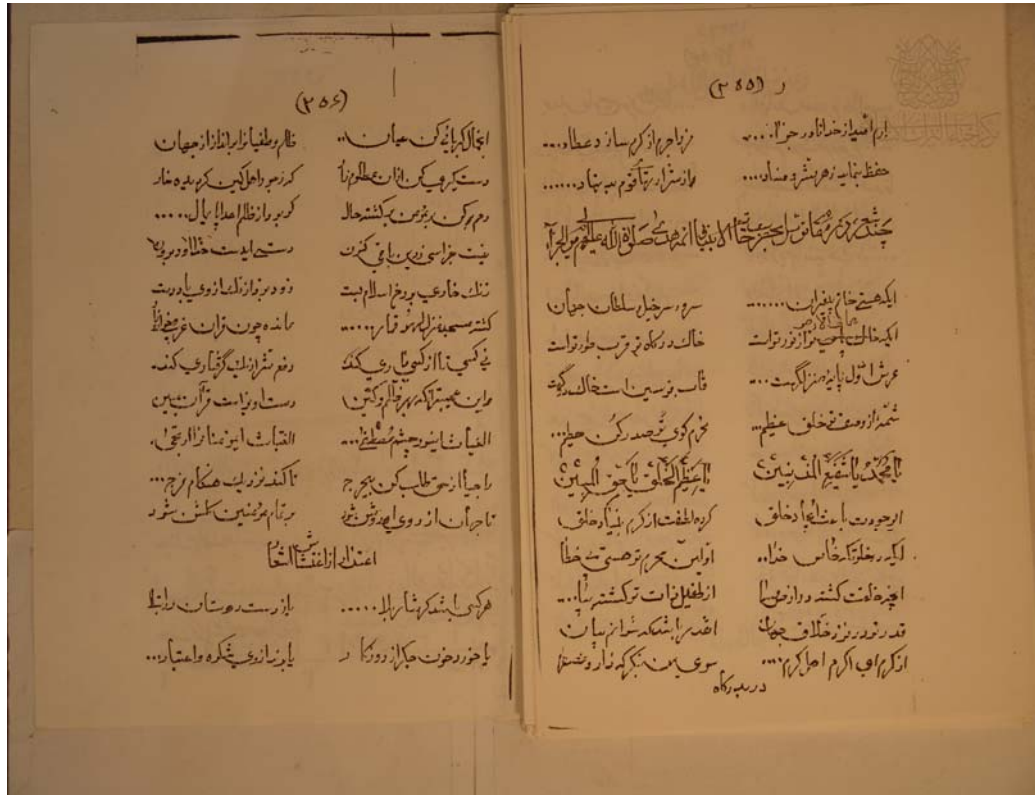
ز ابن عباس است وارد این چنین	خواست یعقوب از پسرها این یمین ...
------------------------------	-----------------------------------

در ابیات زیر به اختلاف روایات اینچنین اشاره می‌کند:

آنچه در اخبار مسطور است باز	بود این نسبت به یوسف از مجاز
سائلی آمد بر او از بهر نمان	بود مر یعقوب را یک ماکیان
آن فقیر هم از قضا بودی ضریر	داد یوسف ماکیان را بر فقیر
بر کمر بستش کمر بندی نهان	یا که بودش عمه‌ای بس مهربان
زانکه بودی رسم در آیین و کیش ...	تا که یک سالش نشاند نزد خویش
کرد بر پنهان بتی در روزنی	یا که بر در خانه ایشان زنی
چار ساله بود یوسف آن زمان ...	بت پرستی می نمودی در نهان



صفحه نخستین نسخه خطی تفسیر منظوم سوره یوسف



صفحه پایانی نسخه مذکور

نتیجه گیری

از مجموع آنچه گفته شد می توان چنین نتیجه گرفت که:

۱. ترجمه و تفسیر قرآن به فارسی، از اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم شروع شده است و تفاسیر منظوم از زمان هایی بسیار دورتر، در شعر فارسی آغاز شد و دلیل آن هم مخالفتی بود که به دلایل گوناگونی همچون قداست شرعی، لغزش اندیشه در ترجمه منظوم و غیره، با ترجمه و تفسیر منظوم می شده است.
۲. ترجمه و تفسیر منظوم در ادب فارسی، از اواخر سده نهم هجری و اوایل قرن دهم، با روی کار آمدن صفویان و گسترش تشیع، شتاب و رواج فراوان تری گرفت.
۳. در میان تفاسیر فارسی، تفسیر سوره یوسف در ادب فارسی، جایگاه ویژه ای دارد. علاوه بر تفاسیر مثنوی که بر این سوره انجام پذیرفته و تا کنون نزدیک سی مورد از آن، شناسایی و معرفی شده، تفاسیر منظوم زیبا و شیوایی در مورد این سوره، از اعصار مختلف باقی مانده است.

۴. بیشتر تفاسیر منظوم که درباره قرآن و به ویژه سوره یوسف نوشته شده، تا کنون به صورت نسخه‌های خطی در گوشه و کنار کتابخانه‌های مختلف در زاویه نسیان و خمول است و تصحیح و چاپ نشده است.

۵. تفسیر سوره یوسف از سید مرتضی دزفولی متخلص به راجی، از تفاسیر ارزنده و منحصر به فردی است که از جامع‌ترین تفاسیر منظوم این سوره است و چندان شناخته شده نیست.

کتابنامه

- انوشه، حسن. ۱۳۸. *فرهنگنامه ادبی فارسی*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ثروتیان، بهروز. ۱۳۸۹. *صفی‌علیشاه و تفسیرش*. تهران: خانه کتاب.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین. ۱۳۶۴. *تفسیر و تفاسیر جدید*. تهران: انتشارات کیهان.
- _____ . ۱۳۸۱. *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهشی*. تهران: دوستان و ناهید.
- خزائلی، محمد. ۱۳۷۱. *اعلام قرآن*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- دانش‌پژوه، منوچهر و سید حسین سادات ناصری. ۱۳۶۹. *هزار سال تفسیر فارسی*. تهران: انتشارات البرز.
- درایتی، مصطفی. ۱۳۸۹. *فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران*. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- رادفر، ابوالقاسم. ۱۳۸۹. «ترجمه‌های منظوم قرآن مجید به زبان اردو». *فصلنامه فدک*. سال اول. ش اول. صص ۳۶-۵۷.
- صفی‌علیشاه، میرزا محمدحسن اصفهانی. ۱۳۸۲. *تفسیر صفی*. به کوشش حامد ناجی اصفهانی. اصفهان: انتشارات کانون پژوهش.
- طباطبایی اردکانی، سید محمد. ۱۳۶۸. *گزیده متون تفسیرهای فارسی*. تهران: اساطیر.
- طوسی، احمد بن محمد بن زید. ۱۳۸۲. *قصه یوسف*. تصحیح محمد روشن. تهران: علمی و فرهنگی.
- فتوحی کوهبنانی کرمانی، مظفر حسین. ۱۳۸۹. *تفسیر ادبی عرفانی سوره یوسف*. تصحیح داریوش کاظمی. کرمان: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان.
- فراهی هروی، معین‌الدین. ۱۳۴۶. *حادثات الحقایق*. تصحیح سید جعفر سجادی. تهران: انتشارات دانشگاه.